



## نقش‌های «آذر»!

ای نور ما، ای سور ما  
جوشی بنه در شور ما  
تا می شود انگور ما

«سوری» یا «گلی»، مترادف است با «سرخ». در فرهنگ دهخدا آمده  
که گل سرخ را «گل سوری» گویند، و شراب قرمز را خمر یا شراب  
سوری.



چون خانه روی زخانهٔ ما، با آتش و با زبانهٔ ما  
با رستم زال تا نگوئی، از رخس و ز تازیانهٔ ما

چهارشنبه سوری، همچون «نوروز» و «سیزده‌به‌در»  
فاقد «تقدس» است، به همین دلیل، ملایان  
جمکران «وظیفه» دارند آنرا «نفی» کنند. اربابان  
جمکران در لندن و واشنگتن، جهت تخریب  
چهارشنبه سوری دست به تحریف آن زده، نوکران  
خارج نشین‌شان هم فرارسیدن «چهارشنبه سوری»  
را پشت‌گوش می‌اندازند! چرا که اینان به «مبارزات»

شکمی مشغول‌اند و می‌باید تمام تلاش خود را به  
خرج دهند تا به همهٔ شوت و پرت‌ها بباوراندند که  
همهٔ نکیت و ادبار در حکومت توحش جمکران  
فقط با احمدی‌نژاد آغاز شده. به عبارت دیگر، از  
۲۲ بهمن‌ماه ۱۳۵۷ تا خردادماه ۱۳۸۴، طی بیش  
از ۲۳ سال اوضاع کشور عالی بود، ولی همینکه  
احمدی‌نژاد از صندوق‌های مارگیری استخراج  
شد، همهٔ «آزادی» و «آبادی» و رونق اقتصادی  
که شیخ مهدی بازرگان، بنی‌صدر، خامنه‌ای،  
موسوی، بهرمانی و به ویژه ملامد خاتمی برای

شمشیر آبدارش، پوسیده است و چوبین  
وان نیزه درازش، چون سوزن است امشب

حاج فرج وظیفه دارد با نشخوار ترهات امثال  
فوکویاما، «مجتهد» یعنی همان آخوند دست‌آموز  
سیرک استعمار را به مفاهیم انسان‌محور معاصر  
وصله کند تا در کشور ایران جایگاه آخوند به عنوان  
«رهبر» همچنان محفوظ بماند. «دمکراسی  
فقهی» محصول همین دوخت و دوز استحمار  
است. مهرانگیز کار نیز به نوبه خود وظیفه دارد  
«دعا» و «ثنا» و «روضه» و «زوزه» و «مقدسات»  
را به حقوق انسانی وصله کند. آخرین وصله پینه  
«حقوقی» مهرانگیز کار، تحت عنوان مضحک  
«حقوق بشر سرزمینی نیست» در سایت بهرمانی  
در هجرت منتشر شده. عبارت «سرزمینی  
نیست» ممکن است به شوت و پرت‌ها چنین القاء  
کند که عیال سیامک پورزند می‌خواهد بگوید،  
«حقوق بشر جهانی است»، حال آنکه واقعیت  
جز این است. مهرانگیز کار در واقع «کارش»  
را خوب انجام داده، و حقوق بشر را به «دین»  
پیوند زده، می‌دانیم که دین هم «بومی» یا به  
قول مهرانگیز خانم «سرزمینی» نیست! برای  
«تخریب انسان» مهم این است که حقوق انسانی  
با «مقدسات دینی» مرتبط شود، خواه مقدسات  
دین اسلام، خواه دین زرتشت! پس اگر حین  
مطالعه پریشان‌پزدازی‌های «کار» به سه اصل دین  
زرتشت، یعنی پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک  
برخورد کردید،

ما ملت به ارمغان آورده بودند، به قول مش‌قاسم،  
«پنداری دود شد و رفت هوا!» و اینچنین بود که  
«گفتگوی تمدن‌ها» ناگهان متوقف شد، و اوباش  
دیگر نتوانستند به بهانه «توهین به مقدسات»  
لشکرکشی‌های خیابانی به راه بیان‌ازند. و این  
شرایط برای آنگلساکسون‌ها و دیگر مدافعان  
فاشیسم بس نگران‌کننده است.

آنکو به مکر و دانش، می‌بست راه ما را  
پالان خر بر او نه، کو کودن ست امشب

روند «گفتگوی تمدن‌ها» را که فراموش نکرده‌ایم.  
این سیاست از لندن و با رمان «سلمان رشدی»  
آغاز شد و پیامد آن «تظاهرات» مردم «همیشه  
در صحنه» پاکستان بود. سپس «کت‌ستیونس»  
سابق، هم‌محفلی طارق رمضان و «شهید»  
مایکل جکسون نمایش «کتاب سوزان» در شهر  
لندن به راه انداختند. پس از چند ماه امام  
روشن‌ضمیر هم فتوی قتل یک «رمان‌نویس» را  
صادر کردند. البته عمل ایشان طبق معمول در  
چارچوب سیاست اوباش‌پروری آنگلساکسون‌ها  
صورت پذیرفت و هیچکس از لات‌بازی «رهبر  
کبیر انقلاب» تعجب نکرد، چرا که خمینی و  
شرکاء را در طویله آنگلساکسون‌ها برای همین  
نوع فعالیت‌ها، یعنی جهت سرکوب و عربده‌جوئی  
و نفس‌کش‌طلبی و جنایت به نام اسلام «پرورش»  
داده‌اند، همانطور که حاج فرج دباغ و مهرانگیز کار  
را نیز در همین مکان مقدس «تربیت» کرده‌اند.

فکر نکنید والدۀ لیلی پورزند «تغییر مذهب» داده، به هیچ عنوان. جیره‌خواران استعمار در داخل و خارج ایران همه یک دین مشترک دارند و آن عبارت است از تخریب انسان در پیشگاه پوچیات. اصول این دین عبارت است از شارلاتانیسم، عوامفریبی، سفسطه، مغلطه، تهدید، تطمیع و جنایت.

خرگاه عنکبوت است، آن قلعهٔ حصین‌اش برگستوان و خوداش، چون روغن است امشب

در چارچوب همین مرام و مسلک است که اوباشی همچون روح الله خمینی برای قتل نویسندهٔ یک رمان «فتوی» می‌صدورد تا به ضرب گلوله یا با چاقو، «تخیلات» انسان را در چارچوب حقیر مقدسات محدود نگاه دارد. اما سگ‌های‌هار استعمار پیشتر هم با ترور احمد کسروی، نشان داده بودند که «تفکر انسان» را نیز خارج از چارچوب ذلت و بندگی محکوم خواهند کرد. همچنانکه شاهد بودیم، «بهار آزادی» با تهاجم به روزنامه‌ها و دستگیری و قتل نویسندگان آغاز شد. سپس شبیخون به تجمع نویسندگان و شعرا در دستور کار حکومت محبوب و مردمی قرار گرفت و زندانی شدن مصطفی رحیمی به جرم «هیچ»، پیامد یکی از همین عملیات قهرمانانه بود. گرچه همهٔ فرهیختگان حکومت رذالت و حماقت در داخل و خارج مرزها در اینمورد خاص خفقان کامل اختیار کرده‌اند.

خاموش کن که طامع، الکن بود همیشه با او چه بحث داری، کو الکن است امشب

مصطفی رحیمی فقط به این دلیل زندانی شد که از شهامت و شرافت اخلاقی برخوردار بود؛ آنچه در ایران کیمیاست. رحیمی پیش از تخلیهٔ کشتی نوح در فرودگاه مهرآباد مخالفت خود را علناً با استقرار «جمهوری اسلامی» اعلام داشت، و پس از ورود «کاروان خردجال» به ایران، برخلاف بسیاری از «فرهیختگان» نمایشی پای به فرار نیز نگذارد. باری در راستای سرکوب آزادی بیان، پس از «رمان» نوبت به «فیلم» رسید و واتیکان هم در کنار اسلام و مسلمین نشسته، فیلم «آخرین وسوسهٔ مسیح» ساختهٔ «اسکورچزه» را محکوم کرد. نمایش این فیلم در سینماهای ایتالیا ممنوع شد و هیچیک از به اصطلاح «روشنفکران» ایتالیا نظیر «اومبرتو اکو» و شرکاء، که ادعا و افاده‌شان جهان را فرا گرفته، به این عمل ضدفرهنگی دولت که با حمایت واتیکان صورت گرفت اعتراض نفرمودند! در مورد فرانسه هم پیشتر در این وبلاگ توضیح داده‌ایم که کار نهایت امر به بمب‌گذاری در سینما و قتل تماشاچیان فیلم منجر شد! خلاصه دولت سوسیالیست وقت برای مبارزه با وحشیگری مذهبیون، فیلم مذکور را از شبکهٔ سراسری تلویزیون دولتی به نمایش گذارد، تا اصحاب کلیسای کاتولیک بدانند و آگاه باشند که دین بیجا می‌کند خود را از حکومت و دولت و قوانین جاری جدا بداند. دین باید از سیاست جدا بماند، چرا که جمهوری فرانسه «لائیک» است، نه «کاتولیک‌پسند!» این مختصر را گفتیم تا آن گوساله‌های ننه حسن که نظیر حاج فرج دباغ «سکولاریسم مسلمان‌پسند» از خشک امثال فوکویاما استخراج می‌کنند، دکان دین‌فروشی‌شان را برچینند. از مطلب دور افتادیم، بازگردیم به «گفتگوی تمدن‌ها».

بگشای دست دل را، تا پای عشق کوبد  
کان زار ترس دیده، در مأمّن است امشب

است و فریبنده، در نتیجه برای ایجاد اجماع فراگیر  
پیرامون «سنگر حق» کاربرد عالی دارد. چه کسی  
با آزادی و استقلال مخالف است؟ هیچکس! چه  
کسی با چهارشنبه سوری مخالف است؟ خارج از  
روضه خوان‌های حکومت، همه آنهائی که در کنار  
میرحسین و عیال‌اش در «سنگر حق» لنگر انداخته  
و ضمن مبارزه بی‌امان با خامنه‌ای و احمدی‌نژاد،  
در مورد ویژگی‌های فرهنگ ایرانی مودیانه سکوت  
کرده‌اند، با این مراسم مخالف‌اند اما شهادت ندارند  
مخالفت خود را بیان کنند، چرا که «سنگر حق»  
همواره محل تجمع بندگان حقیر و پفیوز «خداوند»  
بوده، هست و خواهد بود.

چون شما و جمله خلقان نقش‌های آذرند  
نقش‌های آذر و آذر مبادا بی‌شما

«چهارشنبه سوری» در فرهنگ ایرانیان، همچون  
جایگاه انسان، فراتر از دو قطب «حق» و «باطل»  
قرار گرفته. برای گرامیداشت چهارشنبه سوری آتش  
برافروزیم، که آتش، پایه و اساس «چهارشنبه سوری»  
است و ما ایرانیان، فرزندان آتش‌ایم.

گر هست آتش ذره‌ای، آن ذره دارد شعله‌ها

پس از اینکه حکومت اسلامی به دلیل تضعیف اربابان  
در لندن و واشنگتن ناچار شد لشکرکشی‌های خیابانی  
به بهانه اعتراض به «توهین به مقدسات» را تعطیل کند.  
سریعاً دکان «هویت» در لندن و استکهلم افتتاح شد.  
سپس جنجال و هیاهو پیرامون سوءقصد فرضی به جان  
کسانی که «جسارت» کرده و از پیامبر اسلام کاریکاتور  
کشیده‌اند به راه افتاد. اخیراً گفتگوی توحش‌ها بر این  
روال افتاده که هر گاه اربابان به «تأکید» حکومت  
ردالت و حماقت بر سرکوب آزادی بیان نیاز داشته  
باشند، تصاویری از این یا آن کاریکاتوریست را در  
رسانه‌های جمعی‌شان نشان می‌دهند! واکنش حکومت  
حماقت و توحش «آنی» است. بلافاصله «سخنگوی»  
حجره وزارت‌امور خارجه در برابر خبرنگاران «توهین  
به مقدسات» را محکوم می‌کند تا گاری شکسته  
فاشیست‌ها از هلک و هلک نیفتند، به ویژه که اینروزها  
واتیکان حسابی به لرزه درآمده. البته محفل فاشیسم  
در دیگر کشورها نیز فعال است. به عنوان نمونه امروز،  
۱۶ مارس ۲۰۱۰، طرفداران هیتلر در شهر «ریگا» یاد  
«شهدای» طریقت «آدولف» را گرامی داشتند!

اندر آتش امتحان کن چوب را و عود را

به گزارش «فرانس پرس» از لتونی، فدائیان هیتلر،  
شهدای راه «استقلال» و «آزادی» شناخته می‌شوند!  
بله، واژگان «استقلال و آزادی» تا زمانیکه فاقد  
چارچوب حقوقی باشد، پا در هوا می‌ماند و «میهم»